

بررسی انسجام زبانی (ارجاع، حذف و جایگزینی) براساس نظریه هلیدی و رقیه حسن در داستان آشغال‌دونی غلامحسین ساعدی

فهیمة اثنی عشری کهنوجی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه علامه طباطبایی

f.esnaashari74@gmail.com

انیس رخشانی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه علامه طباطبایی

anisrakhshani@yahoo.com

پریسا سلیم‌نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

انسجام و پیوستگی متن از جمله مسائلی است که تحلیل‌گران متن همواره به آن توجه کرده‌اند. می‌توان این ادعا را کرد که ماندگاری آثار ادبی به اندازه وجود انسجام در متون است. اگر سخن بر این باشد که انسجام زبانی چیست؛ باید گفته شود که برخی از نظریه‌های زبان‌شناسی امکانات مفیدی را برای تحلیل متون ادبی پیش می‌نهند. یکی از این نظریه‌ها، نظریه تکامل‌یافته انسجام هلیدی و حسن در سال ۱۹۸۵، و مفهوم هماهنگی انسجامی است که رقیه حسن آن را در سال ۱۹۸۴ مطرح کرد. در این نظریه، ارتباط معنایی، لفظی، نحوی یا منطقی جمله‌های یک متن «انسجام» نامیده شده است. در مقاله حاضر می‌کوشیم براساس همین نظریه عوامل انسجام زبانی (حذف، ارجاع، جایگزینی) را در داستان آشغال‌دونی غلامحسین ساعدی مورد بررسی قرار دهیم. در نتیجه کاربست نظریه این دو زبان‌شناس درمی‌یابیم که با شناخت این الگوی جدید انسجام و هماهنگی انسجامی می‌توان آن را در هر متن -اعم از ادبی و غیرادبی- به کار گرفت؛ نکته درخور توجه آن است که با استفاده از هماهنگی انسجامی می‌توان درجه انسجام و پیوستگی متون را از نظر کمی با هم مقایسه کرد. همچنین پس از تجزیه و تحلیل متن به صورتی که عوامل انسجام آن روشن می‌گردد، به خواننده کمک می‌کند تا راحت‌تر با اثر ارتباط برقرار کند.

www.anjomanfarsi.ir

کلیدواژه‌ها: انسجام، هلیدی، غلامحسین ساعدی، آشغال‌دونی، ارجاع، حذف، جایگزینی.

۱. مقدمه

۱-۱ بیان مسأله

انسجام و پیوستگی، از جمله مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده متن هستند. انسجام، عامل تبدیل‌کننده جملات به متن است و پیوستگی، ارتباط مفهومی بین جملات را برقرار می‌کند. براساس نظریات هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، عناصر ارجاع، حذف و جایگزینی، ادات ربط و انسجام واژگانی، باعث به وجود آمدن انسجام در متن می‌شوند. نظریه انسجام هلیدی که بر پایه ارتباط متن و معنا است، شاخه‌ای از تحلیل گفتمان محسوب می‌شود که به مطالعه متن می‌پردازد. تاکنون پژوهش‌های زیادی بر اساس این نظریه در زبان فارسی انجام شده است. هدف نگارندگان این پژوهش، بررسی میزان انسجام در داستان آشغال‌دونی اثر غلامحسین ساعدی است.

در این پژوهش نشان داده شده که ساعدی، از کدام یک از عناصر انسجامی دستوری برای ایجاد یک پارچگی متن و هم بستگی آن بهره برده است. آشغال‌دونی داستان بلند نمادگرایانه است که ساعدی در سال ۱۳۴۵ در مجموعه داتانی با عنوان گور و گهوره از سوی انتشارات نیل منتشر شده است. داستان پدر و پسری است که گدایی می‌کنند و در

خیابان می‌خواندند. آن‌ها با فردی به نام آقا گیلانی برمی‌خورند که کارش خون گرفتن از آدم‌های فقیر در ازای پول است. علی که حدود ۱۷ سال دارد با پدرش به محل خون‌گیری می‌روند تا خونشان را بفروشند. علی خون می‌دهد اما پدرش که بیمار است، نمی‌تواند خون بدهد و به توصیه آقا گیلانی به بیمارستان می‌رود. در بیمارستان کارگری به نام زهرا دل‌علی را می‌برد و با سفارش او معالجه پدرش را جلو می‌اندازد. علی در همان بیمارستان مشغول به کار می‌شود. او غذای بیمارستان را به مردم فقیر می‌فروشد و برای پدرش دم بیمارستان بساط چای به پا می‌کند تا از این راه درآمد کسب کند. علی که به مردم فقیر پول می‌دهد به این فکر می‌افتد تا از آنها خون بگیرد. هم‌زمان برای چند نفر که مامورهای امنیتی هستند، خبرچینی می‌کند تا پول بیشتری به دست آورد. پس از مدتی قوادی زنان و دختران بیمارستان و قاچاق‌فروشی را هم انجام می‌دهد. در این میان که اسماعیل راننده بیمارستان است به کارهای او پی می‌برد و علی به ماموران دولتی می‌گوید تا او را تنبیه کنند.

۲-۱ پیشینه پژوهش:

بر اساس جستجوهای انجام گرفته می‌توان گفت اکثریت پژوهش‌هایی که در باب "انسجام" در حوزه زبان و ادبیات فارسی صورت گرفته، بر اساس نظریه هلیدی است.

برای مثال تعدادی از مقاله‌ها ذکر می‌شود:

- نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربرد آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)، از ناصرقلی سارلی و طاهره ایشانی (۱۳۹۰)

- تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت. از عباس اقبالی، روح‌الله صیادی‌نژاد و محمدحسین فاضلی (۱۳۹۶)

- عوامل انسجام در زبان فارسی. از علی اکبر شیری‌زاده (۱۳۸۲)

- ارزیابی نظریه‌های انسجام و پیوستگی متنی: به سوی چارچوبی برای ارزیابی خوانش‌پذیری در سطح گفتمان. از رامین گلشائی (۱۳۹۲)

اما با این وجود، مبحث انسجام زبانی در آثار غلامحسین ساعدی انجام نگرفته بود. که نویسندگان این مقاله، کتاب "آشغال‌دونی" را برای بررسی انسجام زبانی در متن این داستان برگزیده‌اند.

۳-۱ روش پژوهش

در این پژوهش، داستان آشغال‌دونی اثر غلامحسین ساعدی برای تحلیل عوامل انسجام انتخاب شده است. روش کار بر مبنای الگوی هلیدی و حسن (۱۹۷۶ و ۱۹۸۵) بوده است. عوامل انسجام دستوری، شامل (حذف، ارجاع، جایگزینی) را از متن استخراج و تعداد هر یک مشخص شده است سپس تعداد کل آن‌ها به دست آمده و درصد هر یک به طور جداگانه محاسبه شده است. و در نهایت میزان استفاده ساعدی از عوامل انسجامی دستوری را مشخص می‌کنیم تا متوجه شویم از کدام عامل دستوری بیشتر بهره برده است.

۴-۱ مبانی نظری

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از نگرش‌های مسلط در زبان‌شناسی نظری امروز به شمار می‌رود که بر نقش‌های زبانی تأکید دارد. نقش‌گرایان معتقدند که در زبان ابزاری برای تعامل اجتماعی است و واحد تحلیل متن در بافت است. در این معنا نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آن‌ها با بافت است که معانی خاص را افاده می‌کند. بر همین اساس آن‌ها کار خود را با تکیه بر حیطه کلام آغاز می‌کند و در تجزیه. تحلیل کلام متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌دانند. بزرگترین نظریه پرداز نقش‌گرا، (میکل هلیدی) با همکاری (رقیه حسن) انسجام متن را در کتابی با عنوان انسجام در انگلیسی بررسی و عناصر آن را مقوله‌بندی کرده‌اند. شاخه‌ای از گفتمان و تجزیه و تحلیل کلام محسوب می‌شود که به مطالعه متن می‌پردازد.

این تحقیق بر مبنای نظریات هلیدی و حسن درباره‌ی متن بنا شده است. آن‌ها کلمه متن را برای هر عبارت گفتاری یا نوشتاری که کلیت واحدی را تشکیل می‌دهد، به کار می‌برند. از دیدگاه این دو زبان‌شناس، متن یک واحد دستوری مانند بند یا جمله نیست و اندازه مشخصی هم ندارد، بلکه یک واحد معنایی است. آن‌ها ویژگی متنیت را برای یک متن ضروری می‌دانند که حاصل روابط انسجامی است. هلیدی و حسن داشتن ویژگی متنیت را یک امر مطلق نمی‌دانند. بلکه آن را مراتب و درجاتی در نظر می‌گیرند، به طوری که در برخی نمونه‌ها به دلیل وجود تعداد زیادی از روابط انسجامی، متنیت قوی ایجاد گردیده و باعث می‌شود معنای قسمت‌های مختلف متن به میزان زیادی به یکدیگر مرتبط شود، در نتیجه سراسر متن به صورت یک واحد یک‌پارچه و منسجم در می‌آید. اما ممکن است در نمونه‌های دیگر به دلیل کم بودن نشانه‌های انسجام، متنیت کمتری وجود داشته باشد. هلیدی و حسن روابط بین جمله‌ای متن را انسجام نامیده و آن را اینگونه تعریف می‌کنند: (انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و متن را از غیرمتن متمایز می‌سازد. انسجام زمانی به وجود آید که تفسیر برخی از عناصر کلام به عناصر دیگر وابسته باشد، بدان معنا که برخی، پیش‌انگاشت بقیه باشند و نتوان از عناصر بعدی رمز گشایی کرد، مگر با مراجعه به عناصر پیشین. هنگامی که این اتفاق می‌افتد، روابط انسجامی ایجاد می‌گردد و دو عنصر به طور بالقوه تشکیل یک متن واحد را می‌دهد. به عقیده هلیدی و حسن بخشی از انسجام از طریق روابط دستوری و بخش دیگر توسط روابط واژگانی - دستوری استنباط می‌شود. روابط انسجامی در قالب‌های دستوری شامل ارجاع و جایگزینی و حذف ایجاد می‌گردد.

هلیدی و حسن رابطه ارجاع را بین دو عنصر زبانی بر می‌شمرند که دارای مرجع یکسانی هستند و آن را در زبان انگلیسی به سه نوع شخصی، اشاره‌ای و سنجشی تقسیم می‌کنند. ارجاع شخصی، نوعی ارجاع است که در آن ضمایر شخصی در متن قرار گرفته و مرجع آن‌ها شخص است ارجاع اشاره‌ای، ارجاع به کسی چیزی، زمان یا مکانی است که از طریق در نظر گرفتن نزدیکی یا دوری به مرجع ایجاد می‌شود و ارجاع سنجشی، شامل عناصری می‌شود که برای مقایسه بین دو یا چند جز مورد استفاده قرار می‌گیرد، به عنوان مثال در جمله (جان به یک خانه جدید رفته، او آن را سال گذشته ساخته است). هم ارجاع شخصی و هم ارجاع اشاره‌ای وجود دارد.

هلیدی و حسن جایگزینی را جانشینی یک عنصر به وسیله عنصر دیگر و حذف را نیز نوعی جایگزینی می‌دانند که با هیچ عنصری جانشینی می‌شود. در مثال (من یک قهوه می‌خواهم. پس برای خودت یکی بریز.) با جایگزینی مواجه هستیم درحالی‌که مثال (مامان برای من یک ماشین می‌خرد؟ من قرمز را می‌خواهم.) نمونه‌ای از حذف را نشان می‌دهد. هلیدی و حسن پیوند را از عوامل انسجامی دیگر متمایز می‌دانند و معتقد هستند از آنجا که عناصر پیوندی عوامل بنیادین در دستیابی به متن قبل یا بعد نیستند، نه به طور کامل دستوری اند و نه واژگانی، بلکه در حد فاصل این دو قرار دارند. بنابراین در جمله (او خوش قیافه نیست، اما باهوش است) رابطه بین دو قسمت از طریق به کارگیری حروف ربط برقرار شده است. هلیدی و حسن انسجام واژگانی را نیز رابطه بین دو عنصر زبانی بر می‌شمرند که در یک ویژگی با یکدیگر اشتراک دارند. (خیر آبادی، ۱۳۹۵: ۶۶ تا ۶۸)

۱-۴-۱ تعاریف واژگان

۱-۴-۱-۱ غلامحسین ساعدی:

ساعدی در ۲۴ دی ۱۳۱۴ در تبریز و در خانواده‌ای کارمند و به قول خودش اندکی بدحال به دنیا آمد. پدرش، علی اصغر، کارمند دولت و مادرش، طیبه، خانه‌دار بود.

نخستین نوشته‌های ساعدی در سال ۱۳۳۲ منتشر شد و چند سال بعد با چوب‌به‌دست‌های ورزشی و پنج نمایشنامه درباره انقلاب مشروطه نام او در ردیف نمایشنامه‌نویسان مهم ایران قرار گرفت.

آثار گوناگونی از وی بر جای مانده است؛ برای مثال:

ترس و لرز، آشغال‌دونی، نمایشنامه آی با کلاه آی بی کلاه و....

غلامحسین ساعدی در سحرگاه دوم آذرماه سال ۱۳۶۴ شمسی، مطابق با ۲۳ نوامبر ۱۹۸۵ میلادی، پس از یک خون‌ریزی داخلی در بیمارستان سن آنتوان پاریس درگذشت.

۱-۲-۱-۴ انسجام دستوری

انسجام مانند زنجیره‌ای است که مهره‌های متن را به هم متصل می‌کند. این به هم‌پیوستگی دارای قواعد و چارچوبی است؛ در واقع برای اینکه بتوان به عنوان پژوهشگر عوامل انسجام متن را به طور کامل دریافت، باید آن را با دقت خواند و با دقت تجزیه کرد.

انسجام را در جایی می‌توان یافت که درک و تفسیر برخی از عناصر گفتمان وابسته و نیازمند به عناصر دیگری در درون آن باشد؛ یعنی یک عنصر، پیش‌انگاره عنصر دیگر باشد. به این معنا که عنصر دوم را نمی‌توان بدون عنصر اول کشف و درک کرد. (زکی‌پور، ۱۳۸۴)

برای بیان دقیق‌تر مفهوم انسجام، از یک مثال بسیار ساده استفاده می‌کنیم:

«احمد کیف را از پدرش گرفت و آن را به رضا داد.» معنای ضمیر اشاره «آن» فقط به «کیف» قابل تعبیر است. این امر باعث اتصال بین دو جمله شده است.

وجود نوآوری‌های بدون حفظ چارچوب اصل قواعد زبان باعث می‌شود که فصیح بودن متن دچار لغزش شود؛ به اصلاح دیگر باعث ایجاد نوعی کژتابی می‌گردد.

مثلا در همان جمله بالا، اگر بگوییم:

«احمد کیف را از رضا گرفت و آن را به پدرش داد.» نمی‌دانیم مرجع ضمیر «ش» رضاست؟ یا احمد؟
در این پژوهش به سه نوع از انسجام‌های دستوری و زبانی می‌پردازیم:



۱-۲-۱-۴-۱ ارجاع

برای روشن شدن مفهوم متن و بافت و در پی آن انسجام، درک روابط ارجاعی در متن بسیار مهم است، چون در متن باید به دنبال عواملی بود که به آنچه در قبل یا بعد آمده است، ارجاع دهند (خیرآبادی، ۱۳۹۵: ۳). اگر مرجع در درون متن باشد، به آن ارجاع درون‌متنی گفته می‌شود و اگر مرجع در بیرون از متن قرار گیرد و تنها با توجه به موقعیت خارجی شناسایی شود، آن را ارجاع برون‌متنی می‌نامند. ارجاع برون‌متنی، بدون بافت برون‌زبانی قابل تفسیر نیست و از این جهت فاقد انسجام بخشی است. ارجاع درون‌متنی خود به دو بخش ارجاع به ماقبل و ارجاع به مابعد تقسیم می‌شود. همانطور که مشخص است ارجاع به ماقبل، زمانی است که عامل ارجاع بعد از مرجع خود باشد و برعکس زمانی که عامل ارجاع قبل از مرجع خود باشد، ارجاع به مابعد نامیده می‌شود. هلیدی و حسن عناصر ارجاعی یا ضمیر را به سه دسته تقسیم می‌کند: ارجاع شخصی - ارجاع اشاره‌ای و ارجاع مقایسه‌ای. آن‌ها معتقدند که ارجاع شخصی در موقعیت گفتاری فعال می‌شود و به مقوله شخص بر می‌گردد - ارجاع اشاره‌ای به محل و میزان نزدیکی یا دوری، زمان یا عناصر حاضر اشاره می‌کند و ارجاع مقایسه‌ای در حالت کلی، ارجاع غیر مستقیمی به یکسانی یا شباهت یا تفاوت عوامل ارجاعی است و در حالت جزئی، ارجاع به صفت یا شمار عددی است. (حاج عیدی، رضویان، ۱۳۹۷: ۷۷ و ۷۸)

در داستان غلامحسین ساعدی ارجاع نسبت به حذف و جایگزینی بیشتر است. ارجاع آن بیشتر ضمیر شخصی «ش» است و ارجاع ضمیر اشاره‌ای کم است همچنین ارجاع آن بیشتر مابعد است.

۱-۲-۱-۴-۲ حذف

حذف یک یا چند عنصر، به قیاس عناصر قبلی موجود در متن به منظور انسجام است. حذف یک پیوند درون‌متنی است و در بیشتر موارد عنصر پیش‌انگاشته در متن قبلی وجود دارد. که به سه نوع حذف گروه اسمی و حذف گروه فعلی و حذف بندی تقسیم می‌شود. (همان: ۷۹)

۳-۲-۱-۴-۱ جایگزینی

زمانی که یک عنصر، جانشین عنصر دیگری در متن می‌شود، جایگزینی صورت گرفته است. البته هلیدی جایگزینی و حذف را از انواع یک نوع ارتباط انسجامی می‌داند. حذف را جایگزینی صفر می‌نامد به این مفهوم که حذف نوعی جایگزینی است و معتقد است که در بعضی محیط‌های دستوری، فقط حذف امکان پذیر است و در بعضی محیط‌های دیگر، تنها جایگزینی. بسامد جایگزینی در زبان فارسی بسیار پایین است و تنها در شبه جمله‌هایی نظیر (به به) و امثال آن مشاهده می‌شود. (همان: ۷۹)

بحث و بررسی

در این بخش طبق تعاریف ذکر شده، متن داستان آشغال‌دونی را مورد بررسی قرار دادیم، که به ترتیب شاهد مثال‌های هر کدام از موارد انسجام زبانی ذکر شده است:

۱- ارجاع

۱. به کوچه بعدی که پیچیدیم، من حسابی دماغ و پکر بودم و کفرم از دست بابا در اوامده بود. ویرم گرفته بود که سربه سرش بذارم و حرصشو دربیارم و تن و بدنشو بلرزونم. (ساعدی، ۱۳۹۷: ۵)

* منظور سربه سر بابا، حرص بابا، تن و بدن باباست که کلمه بابا حذف شده و ضمیر جانشین شده و ارجاع آن از نوع «ضمیر شخصی» است.

۲. بابام ایستاد و من دیگه خاطر جمع شدم که یارو خیالاتی برامون پخته، اما بابام که این چیزا سرش نمی‌شه، او حاضر بود مدت‌ها دست به سینه بایشته، حتی اگه عوض چند سکه پول سیاه، یه عالمه فحش تحویل بگیره. (همان: ۱۰)

* «برامون» منظور علی و پدرش است که این واژه‌ها حذف شده و ضمیر جانشین آن شده است. (ضمیر اشاره‌ای)

۳. یکی از اونایی که پایین بود، پاهای بابامو گرفت و بلندش کرد و منم کشیدمش توی ماشین. (همان: ۱۵)

* مرجع «ش» که منظور بابا است و کلمه بابا حذف شده و ضمیر جای آن را گرفته است. (ضمیر شخصی)

۴. روی نیمکت اول زن جوان و پیرمرد نشستند، من و بابام نشستیم بغل دست اون‌ا. (همان: ۱۸)

* مرجع «اون‌ا» که پیرمرد و زن جوان است. این دو کلمه حذف شده و ضمیر اشاره‌ای جای آن را گرفته است.

۵. آقایی که کتاب زیر بغل داشت، کتابش را باز کرد و شروع کرد به خوندن. آقا گیلانی با پوزخند بهش خیره

شد و دیگران زیر چشمی نگاهشون کردند. (همان: ۱۸)

* مرجع «بهش» آقایی است که کتاب زیر بغل داشت و به جای آقا ضمیر شخصی ارجاع داده شده است.

* مرجع «نگاهشون» هم آقایی که کتاب داشت و آقای گیلانی است که ضمیر شخصی ارجاع داده شده است.

۶. بعد رو به من کرد و پرسید: «تو چی؟»

بابام گفت: «این هیچ چیزش نیس، عین گاومیش می‌خوره و راه میره.» (همان: ۲۱)

* مرجع «این» که علی است و علی حذف شده و ضمیر اشاره‌ای ارجاع داده شده است.

۷. اون وقت بهش می‌گیم که این کوچولورو واسه ما ننگه داره. علی بیگ خیلی خوبه، هیچ وقت نه نمیگه.

خوبم بهش می‌رسه. من و تو هم هفته‌ای یه بار سری بهش می‌زنیم و احوالشو می‌پرسیم. (همان: ۴۸)

* مرجع «ش» در بهش اول، علی بیگ است که علی بیگ حذف شده و ارجاع ضمیر شخصی به کار رفته است.

مرجع «ش» در بهش دوم هم جوجه است که طبق اولی انجام شده است.

۸. خودمو از چنگش رها کردم و گفتم: «همش یه پیاله لوییا اسماعیل آقا برام خرید که...» (همان: ۵۰)

* مرجع «ش» در چنگش، پدر علی است که پدر حذف شده و مرجع شخصی به کار رفته است.

۹. حرفمو برید و پرسید: «چه کارش کردی؟»

گفتم: «خوردمش»

گفت: «زهرمار می خوردی، کوفت می خوردی، چرا واسه من نیاوردی؟» (همان: ۵۰)

*مرجع «ش» در کارش و خوردمش، خوراک لویبایست که در این جا ارجاع ضمیر شخصی به کار رفته است.

۱۰. بازوی منو گرفت و گفت: «حال که نمی دونه باهاس بری و خبرش کنی.» (همان: ۵۰)

*مرجع «ش» در خبرش، زهراست که ارجاع ضمیر در اینجا به کار رفته است.

۱۱. کشاکشان منو برد پای در. احمدآقا با دو نفر دیگه نشسته بود رو تخت و قلیان می کشیدند. از لای نرده‌ها

صداش کردم: «احمد آقا، احمد آقا!» (همان)

*مرجع «ش» در صداش احمدآقا است.

۱۲. نی قلیانو داد دست یکی و پا شد و اومد، تا منو دید گفت: «تویی پسر؟ چی می خواهی؟»

گفتم با خانوم کار دارم، می خوام برم پیشش... (همان: ۵۱)

*مرجع «ش» در پیشش، زهرا خانوم است. در اینجا ارجاع ضمیر شخصی به کار رفته است.

۱۳. گفتم: «من می ترسم.»

پرسید: «از چی می ترسی؟»

یهو از دهنم در رفت: «از آقا گیلانی.»

گفت: «خوب، همه از اون می ترسن، تازه اون که اینجا نیس.» (همان: ۵۴)

*مرجع «اون» آقا گیلانی است. که آقا گیلانی حذف شده است و ارجاع ضمیر اشاره‌ای به کار رفته است.

۱۴. زهرا گفت: «خواهرزاده، فاطی جون به جون شده حاضر نشده کمکم کنه و این طفلکی به خاطر من مجبور

شده مرده کشی کنه.» (همان: ۵۴)

*مرجع «این» خواهرزاده زهراست که خواهرزاده حذف و ارجاع ضمیر اشاره‌ای به کار رفته است.

۱۵. هر وقت اسماعیل آقا می خواست چیزی بهش یاد بده، می گفت: «خودم بلدم، می دونم چه کار کنم، بعله،

خیالتون آسوده.» (همان: ۸۱)

*مرجع «بهش» پدر علی است که ضمیر "ش" آمده است و ارجاع ضمیر شخصی است.

۱۶. رفتم تو سراغ زهرا که داشت رو پله‌ها گونی می کشید تا منو دید نیشش واشد و گفت: «خوب

خوابیدی؟» (همان: ۸۲)

*مرجع «نیشش» زهراست که زهرا حذف و ضمیر شخصی استفاده شده است.

۱۷. من با عجله رفتم پیش احمدآقا که جلو اتاقک نشسته بود و پرسیدم: «احمدآقا، تلفن آقا گیلانی چنده؟»

گفت: «چه کارش داری؟» (همان: ۸۷)

*مرجع «کارش» آقا گیلانی است که حذف شده و ضمیر شخصی به کار رفته است.

۱۸. پکی به سیگار زدم و وارد راهرو شدم. در ظرف خونه نیم باز بود. اسماعیل آقا جوراباشو درآورده، رو به

تخت فکسنی دراز شده بود. جلو رفتم و صدایش کردم. (همان: ۸۹)

*مرجع «صدایش» به اسماعیل آقا برمی گردد که حذف شده و ضمیر شخصی به کار رفته است.

۱۹. چند شب بعد با موتور احمدآقا رفتم پیش آقا گیلانی که منتظرم بود و گفته بود که برم دیدنش. (همان: ۹۱)

*مرجع «دیدنش» منظور آقا گیلانی است که حذف و ارجاع ضمیر شخصی به کار رفته است.

۱. تا می توانست راه می رفت، کوچه پس کوچه های خلوتر را دوست داشت، در خانه های خالی را می زد، از خیابان های شلوغ می ترسید، از جاهای دیدنی فراری بود. (همان: ۵)
* ضمیر «او» که در همه جملات حذف شده است.

۲. بابام رفت جلو و منم پشت سرش. بابام دستشو دراز کرد و پنجه بزرگشو گشود و نالید: «ای آقا، من ذلیم، پیرمردم، مریضم، تو ولایت غربت گیر کرده ام، آگه می تونی، وسعت می رسه، کمکی بهم بکن که ابوالفضل العباس در اون دنیا عوض بده.» (همان: ۸)
* جمله اول «بابام رفت جلو و منم پشت سرش...» در اصل پشت سر پدر است که واژه پدر حذف شده و ضمیر جانشین آن شده است.

۳. در حالی که مواظب راست و چپش بود از لای ما شین ها رد شد و آمد طرف ما، صورت گرد و سیبل پرپشتی داشت. (همان: ۹)
* در حالی که مواظب راست و چپش بود» چپش منظور عباس آقا است که واژه عباس حذف و ضمیر جای آن نشسته است.

۴. غر زد و درو محکم داد جلو. من چند دقیقه ساکت نشستم. بعد از پشت شیشه داخل اتاقک را نگاه کردم. (همان: ۱۴)
* ضمیر «او» که در غر زد حذف شده است.

۵. چند نفری سر تکان دادند و بچه زنک شروع کرد به ونگ زدن. آقا گیلانی داد زد: «خفه اش کن.»
* در «جمله خفه اش کن» که کلمه بچه حذف شده است.

۳- جایگزینی

۱. گیلانی چوب سیگارش را کوبید روی میز و گفت: «یه چیزی بذار توی دهنش.» (همان: ۱۹)
* مرجع دهنش بچه است که بچه حذف شده و ضمیر شخصی جایگزین بچه شده است. می توان آن را ارجاع ضمیر شخصی هم گرفت.

۲. دوباره رفتیم توی باغ. من و زهرا جلوتر و بابام هن هن کنان پشت سر ما. (همان: ۲۸)
* مرجع «ما» که منظور علی و زهراست که این دو واژه حذف شده است و ضمیر ما جایگزین آن ها شده است.

۳. اومدیم بیرون. زهرا کاغذ رو داد دست من، بابام دعاش کرد: «الهی خانوم...» (همان: ۲۹)
* مرجع ش در «دعاش» زهراست که واژه زهرا حذف و ضمیر شخصی جایگزین آن شده است.

۴. با اخم و تخم جواب داد: «دیگه می خواستی چی بشه؟ تمام این دیونا فقط خوردن و خوابیدنو بلدن. همه شون رفتن مرخصی. یه نفر شون پیدا نیست که بره مرغ و تخم مرغ تحویل بگیره بیاره. آقا مدیر هم که ما شالله دنیارو آب ببره، ایشونو خواب میبره.» (همان: ۳۸)

* مرجع «ایشون» که آقا مدیر است. آقا مدیر حذف و ضمیر اشاره ای جایگزین آن شده است.

۵. جوجه رو داد دست من و گفت: صبر کن، سر راه میریم پیش علی بیگ، من دو سه گیلای می زنم که سردردم خوب بشه و تو هم یه چیزی زهرمار می کنی دل دردت خوب بشه. اون وقت می گیم که این کوچولورو واسه ما نگه دار. (همان: ۴۸)

* مرجع «کوچولو» که جوجه است. جوجه حذف و کوچولو جایگزین آن شده است.

۶. زهرا گفت: «خواهرزاده، فاطی جون به جون شده حاضر نشده کمکم کنه و این طفلکی به خاطر من مجبور شده مرده کشی کنه.» (همان: ۵۴)

* مرجع «طفلکی» خواهرزاده زهراست که طفلکی جایگزین خواهرزاده شده است.

۷. از راهرو دود گرفته‌ای گذشتیم و وارد آشپزخانه شدیم. ده پانزده مرد پای اجاق‌ها کفگیر به دست و رجه و رجه می‌کردند و حرف می‌زدند. بوی چربی و پلو همه جا رو پر کرده بود. زهرا با صدای بلند داد زد: «احمدآقا، هی احمد سیاه.» (همان: ۶۱)

*مرجع «احمد سیاه» همان احمد آقاست که احمد سیاه جایگزین آن شده است.

۸. چند نفری جلو اومدند و هر کدام یه دوزاری دادند، و من تو هر پیاله چند مشت پلو ریختم و دادم دستشان و اونا چمپاتمه زدند و شروع کردند به خوردن. پیرمرد کت به دوش که همان طور به تماشا ایستاده بود به مشتری‌ها گفت: «چه جوری دلتان میاد این کثافتو بخورین نجاست و خون و چرک مریضخونه قاطیشه.» (همان: ۶۶)

*مرجع «این کثافتو» پلو است که پلو حذف و «این کثافت» جایگزین آن شده است.

۹. با چشم‌های ورامده نگاه کرد و با مشت زد به شکم خودش و گفت: «این سگ مصب گرسنه‌س، می‌فهمی؟» (همان: ۶۹)

*مرجع «این سگ مصب» همان شکم است که شکم حذف و این کلمه جایگزین آن شده است.

۱۰. از جوانکی که سبیل قیطانی داشت پرسیدم: «چی شده؟»

گفت: «چایی می‌خوایم، نسیه نمیده.»

پرسیدم: «مگه پول ندارین؟»

گفت: «پول داشتیم که منت این پیر خسیس رو نمی‌کشیدیم.» (همان: ۸۶)

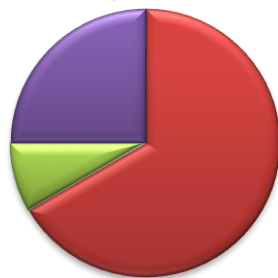
*پیر خسیس منظور همان پدر علی است که این واژه جایگزین آن شده است.

نتیجه‌گیری

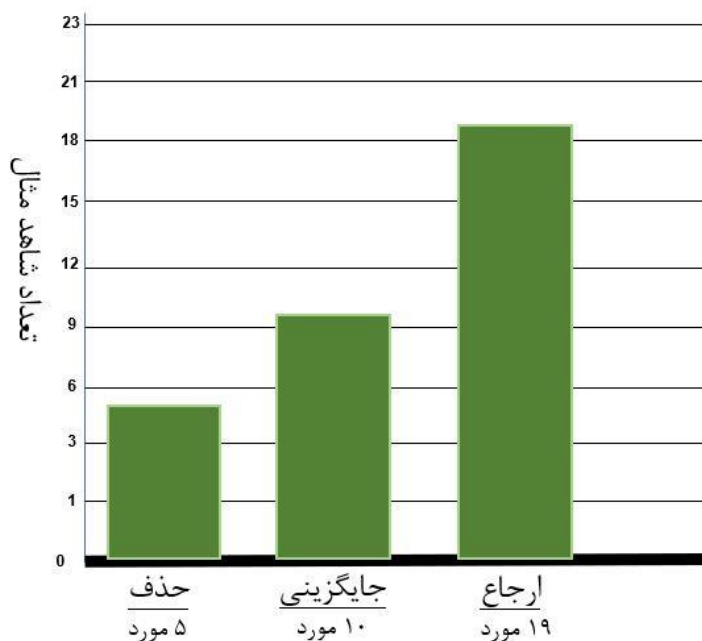
در این مقاله به بررسی مواردی که باعث انسجام زبانی و واژگانی در متن شده بود، پرداخته شد. مبانی نظری این بررسی بر طبق نظریه تکامل یافته هلیدی و رقیه حسن بود که در باب موارد انسجام در متن است. در این نظریه «متن» تعریف مشخصی دارد. خوب است قبل از جمع بندی مصادیق این پژوهش، مجددا تعریف متن مرور شود؛ متن واحدی معنایی است که میان اجزای آن اتصال و ارتباط منطقی وجود دارد. اساسی ترین عامل متن سازی، انسجام است. (شیری زاده، ۱۳۸۲)

اگر بخواهیم به صورت خلاصه نتیجه بررسی مصادیق انسجام را در داستان آشغال‌دونی ساعدی در اینجا مطرح کنیم؛ باید گفت که هر سه مؤلفه حذف، ارجاع و جایگزینی در متن دیده شد. اما موارد کمتر از ارجاع و جایگزینی است. در این داستان بیشتر عامل انسجام، عامل «ارجاع» است. البته می‌توان گفت که نسبت به حجم داستان، مصادیق بیشتری از این عوامل مورد انتظار پژوهشگران بود.

نمودار کلی عوامل انسجام زبانی آشغال‌دونی



■ ارجاع ■ حذف ■ جایگزینی



منابع و مأخذ

- ساعدی، غلامحسین؛ *آشغال‌دونی*. ۲، تهران: نگاه، ۱۳۹۸.
- خیرآبادی، رضا؛ خیرآبادی، معصومه؛ *بررسی عناصر انسجام در متون داستانی و شعرهای مجله رشد نو آموز*. فصلنامه زبان پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)، (۱۳۹۵). سال هشتم. شماره ۲۱ ص ۶۱ تا ۷۸.
- حاج عیدی، حوا؛ رضویان، حسین؛ *عوامل انسجام در داستان عدل صادق چوبک*. فصلنامه علمی و پژوهشی، ۱۳۹۷، سال نهم. شماره ۱۸ ص ۶۹-۹۴.
- سارلی، ناصرقلی؛ ایشانی، طاهره؛ *نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربرد آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)*. فصلنامه زبان پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۹۰، دوره دوم. شماره ۴ ص ۵۱ تا ۷۷.
- جهانگیری، نادر؛ زکی پور، شهربانو؛ *انسجام واژگانی در داستان‌های کوتاه فارسی برای کودکان*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد. ۱۳۸۴، شماره ۴.
- شیری‌زاده، علی‌اکبر؛ *عوامل انسجام در زبان فارسی*. رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۲، شماره ۶۸.
- بهجو، زهره؛ *رابطه انسجامی جایگزینی در فارسی*. فرهنگ، ۱۳۸۲ شماره ۴۶.